



امام حسین و حماسه عاشورا

حضرت سیدالشهدا امام حسین (ع) از بزرگترین شخصیت های جهان اسلام و از شجره طیبه رسالت و نبوت و سومین امام شیعیان جهان است او فرزند امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب وصی و جانشین و پسر عم رسول خدا، او فرزند صدیق کبری فاطمه زهرا یگانه دختر و یادگار پیامبر اسلام محمد مصطفی (ص) است . صفحه ۴



طلوع وحدت

ارگان نشر و نشریه گردن سردار امام حسین (ع)

شماره ۱۵ سال دوم سرطان ن ۱۳۷۱ هـ ش / ۱۴۱۲ هـ ق / ۱۹۹۲ میلادی

من هرگز در راه خدا سعادت و زندگی با ستمکاران را ذلت میدانم (امام حسین ع)

فدرال خواهی، یاد اعبدهای بر اساس بافت

از: رضا زاده غزنوی

در پیرو سه انقلاب شکوهمند اسلامی و ضد استعماری، ملت قهرمان و همیشه پیروز افغانستان در طی چهار ده سال مقاومت خستگی ناپذیر، فرازهای نوین و برجسته ای وجود داشته است، افکار عامه جهانانی را به عظمت و صلابت خود معطوف ساختند دنیا پدید آمده تحسین بدان می نگریسته له اند با قاطعیت میتوان گفت مردم ما حماسه عظیم تاریخ را در روند تکاملی تاریخ بشریت جاودانه رقم زده اند، فصل جدیدی را در دایره المعارف قیامهای حق طلبانه و دفاع از منافع و نوامیس ملی کشوده اند، دشمن متجاوز و نیرومندی را برای ابد در تمامی زمینه ها و عرصه های نظامی شکست مفتضحانه دادند . سنگهای شرف و انسانیت را مردانه پاس داشتند . صفحه ۲



محک دیگر در افغانستان

با گذشت دوماه از دور پرمشقت، جنجالی و خطرناک آقای استاد صبغت الله مجددی بعنوان رئیس دولت موقت اسلامی افغانستان که با توجه به ناقص بودن دولت در بدو تاسیس، عدم عضویت جناحهای قوی مجاهدین در دولت نتوانست به بحران موجود خاتمه دهد، صلح و آرامش برقرار نماید با آنها بعد از کسب تجربه عملی در رفع تشنج اوضاع گامهای مثبتی برداشت توانست گروههای عمده سیاسی، نظامی که در دولت شرکت نداشتند شرکت دهد چنانچه درین رابطه دولت موقت اسلامی طی اطلاعیه ای در تاریخ ۲۹ جوزای ۱۳۷۱ - چنین اعلام داشت . صفحه ۲

مردم افغانستان شصت سال در زندان محمد زائی ها و چه بینم کمونست ها

از: استاد محقق افشار

در عصر علم و تمدن در قرن موشک و واتسم در وقتیکه جهان مسابقه علمی و تکنولوژی گذاشته و در عصریکه بشر به کوره ماه قدم نهاده با بال علم جانب نیکیار مریخ پرواز دارد و فضا و دریا جولا نگاه بشر قرار گرفته شرق و غرب جهان بوسایل علم باهم اتصال یافته و دهها موهوسه و سازمان جهانی حقوق

صفحه ۶

یگانه راه حل معقول منازعات در افغانستان ایجاد دولت

از: نظری

افغانستان کشوری است که که در طول تاریخ طولانی اش حوادث، مصیبت و و بلاهای فراوانی را بخود دیده است، هر بار بار که مورد هجوم بیگانه گان قرار گرفته خوشبختانه ملت مسلمان و غیور ایرایین سرزمین در مصاف نظامی دشمن را قهرمانانه شکست داده و از کشور رانده است، ولی متأسفانه در مصاف سیاسی در گذشته هر بار بعد از فتح بازنده بوده، زیرا دشمن

صفحه ۵

آنچه میخوانید

- ۱- محک دیگر
- ۲- امام حسین (ع) و حماسه عاشورا
- ۳- فدرال خواهی یا
- ۴- مردم افغانستان ۶۰ سال زندان و
- ۵- یگانه راه حل معقول منازعات
- ۶- متن سخنرانی خواهر فاطمه حاوید
- ۷- ملاقات آقای نجفی با استاد افشار
- ۸- شهید صادقی نیلی ستاره درخشان



محک دیگر...

" شرکت برادران حزب وحدت اسلامی و اتحادیه سمت شمال در شورای جهادی و حکومت اسلامی که قدم مهمی در راه ایجاد صلح و هماهنگی امور کشوری و دولتی بوده و گام ارزشمندی در راستای نجات کشور از خطر تجزیه محسوب میگردد بتوافق آرای اکثریت اعضای شورای جهادی صورت گرفت "

اینک با سپری شدن وقت مقرر آقای مجددی قدرت سیاسی به آقای استادربانی تعلق گرفته و نخست وزیر نامزد نیوز وارد کابل گردیده، وضعیت آشفته افغانستان که سخت نیازمند صلح و آرامش است در محک دیگری قرار گرفته دیده شود که آیا این تغییر و تحول که بعد از تجارب فراوانی پیش آمده، آرمانها و آرزوهای والای انقلاب اسلامی و مردم رنج دیده و بلاکشیده ماکه همانار عایت کامل عدالت اجتماعی در پر تو مکتب مقدس اسلام در تمامی عرصه ها برای همه گروهها و ملیت ها و ایجاد فضای صلح و امنیت و تفاهم بر آورده خواهد کرد دیانه؟ باز هم همان آهنگ منیت خود خواهی و انحصار طلبی و عدم تحمل دیگران از لوله های کلاشینکوف و توپها زبانه کشیده کشور را بویرانی و خونریزی بیشتر خواهد کشاند؟

بنظر میرسد همه زعمای سیاسی گروهها و احزاب و دسته جات بملاحظه تاریخ قدری گذشته و حوادث و وقایعی که هر روز جلوجشم مان بوقوع پیوسته تجارب گرانبهای بدست آورده و این حقیقت را درک کرده اند که هیچ گروهی به تنهایی نمیتواند در افغانستان حکومت نماید و همه وزن همدیگر را نیز میدانند، پس چه بهتر است که بیشتر ازین ملت ستم دیده خویش را که در انتظار عدالت دولت اسلامی، و چیدن میوه انقلاب است منتظر نگذاشته، با درپیش گرفتن راه معقول به بحران، ناامنی، هرج و مرج در کشور خاتمه داده در سازندگی آن همه با هم همت بکاریم.

تکرار این نکته لازم است که همه نیروهای جهادی مبارزاتش را برای ایجاد

حکومت اسلامی آغازیده که در نظام اسلامی جایی برای تضييع حقوق کسی وجود ندارد چنانچه مولای متقیان علی (ع) میفرماید " مسلمان کسی است که آنچه برای خود می خواهد برای دیگران هم قبول داشته باشد. "

پایان

فدرال خواهی...

براستی مردم مادر طی این مدت - چون پیشینه تاریخ مبارزاتی آبائی شان علیه بیگانگان سر بلند و موفق درخشیدند ولی آنچه که باید به آن توجه داشت وسیعی نمود حفظ و حراست از دست آوردهای این قیام و جهاد بزرگ میباشد و ایجاد نظام عادلانه مبتنی بر خواست همه اقشار اجتماعی و ملیت های ساکن این مرز و بوم چه اینکه مفهوم انقلاب چنین است " براندازی نظام نامطلوب جایگزینی نظام مطلوب " این مسئله بهمان اندازه حساس و سرنوشت ساز میباشد که حساسیت موقعیت جغرافیائی کشور در عرصه های داخلی و خارجی و منطوقی، اهمیت این مهم به اهمیت تاریخ انسانهای محروم میباشد اگر اشتباهی در مسئله صورت بگیرد حقوق عادلانه توده های انسانی کشور تامین نگردد و به آن پرداخته نشود، اشتباه تاریخی و نابخشودنی خواهد بود همه مسائل فوق در یک پیوند زنجیره ای قرار دارند، یعنی حساسیت و اهمیت جغرافیائی همین در منطقه و جهان چه از نظر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و استراتژیکی و... بستگی تام و تمام بانحوه سیستم و نظام سیاسی اجتماعی آن دارد.

پایداری و ثبات نظام سیاسی در نوعیست و پشتوانه های ملی آن گره خورده است.

بنا " از زاویه ها و دیدگاههای مختلف میتوان به ارزیابی قضایا و وساییل کشور پرداخت :

الف - حساسیت و اهمیت جغرافیائی کشور : پس از آنکه نظام میل تارستی روسیه از هم می پاشد، از قلمرو جغرافیای سیاسی جهان حذف میگردد، مرزهای تاریخی آسیای میانه و اروپای شرقی احیا میگردد، افغانستان که

بیش از دو هزار کیلومتر با کشورهای ترکمنستان تاجیکستان و ازبکستان از شمال هم مرز میباشد دیگر نقطه سرخ و جنگی برای یک امپراطوری خودکامه و توسعه طلب نیست، بلکه حساسیت تجاری و روابط همزیستی و همکاری ملیت های ساکن کشورهای همجوار بیشتر خواهد بود " افغانستان " از نظر تاریخی و فرهنگی، قومی و نژادی و... مشترکاتی در گذشته با آسیای میانه داشته، اکنون آنرا باز یافته است که از نظر سیاسی در دو بعد (داخلی و خارجی) قابل بررسی است .

۱- در بعد خارجی : سیاست پویای دولت در عرصه خارجی و روابط بین المللی، بستگی به چگونگی نظام آینده و نوعیت آن خواهد داشت آنهم در ارتباط با ثبات و حاکمیت ملی با پشتوانه و قوت های ملی در همه زمینه های فرهنگی اقتصادی و سیاسی و... میباشد اگر چنانچه دولتی با قاعده های وسیع، قوت های ملی ایجاد نگردد، ضعیف و سست بنیان باشد باز هم چون گذشته اقلیت نژادی، نظام توتالیستری که مبتنی بر ایده فاشیسم باشد در کشور به وجود آورده و حاکمیت را تصاحب نماید و ملیت های محروم کشور محروم تر گردد، فاشستان ستمگر با ماسک و نقاب انقلابی ریاکارانه در جامعه حضور یابند، به قلع و قمع نیروها و قوت های ملی ببرد زند با چماق و خنجر به سرکوبی و ذبح شرعی ستم دیده گان و مظلومان برخیزند و فتوا از برای مرز های مقدس میهنی دریافت نمایند، اینجا است که وضعیت تغییر فاحش نموده معادلات و موازنه های سیاسی در عرصه جهانی و منطوقی بگونه ای دیگر رقم خواهد خورد، منافع ملی و کشوری افغانستان به معرض خطر قرار خواهد گرفت، بجای روابط همزیستی و همکاری و حسن نیت متقابل زمینه مداخلات آزمندانانه بعضی کشورهای منطقه فراهم خواهد شد، سیاست دولت از بالندگی و پویایی در عرصه های خارجی باز خواهد ماند.

۲- در عرصه داخلی :

تثبات دولتی از ثبات و استحکام لازم برخوردار خواهد بود که با قاعده های وسیع ایجاد گردد و خواست برحق همه ملیت های ساکن را تا عمین نماید و تضمین کننده منافع ملی و اجتماعی مردم در همه زمینه های فرهنگی سیاسی، نظامی، اداری و اقتصادی و... باشد

واحد ملت مسلمان در بنیان گذاری نظام سهم عادلانه و منصفانه داشته باشند و تغییر اساسی و بنیادی بر پایه اعتقادی و سیاست واقع بینانه در نحوه سیستم اداری کشور بوجود آید و تقسیمات ظالمانه و غیر انسانی گذشته از جغرافیای سیاسی اداری میهن محو گردد و نوع سیستم و نظام مطلوب همه اقشار و اصناف و اقوام اجتماعی متناسب با ساختار فیزیکی و مردمی و فرهنگی و ۰۰۰ در نظر گرفته شود.

ارزیابی دقیق و کنکاش عمیق مسئله نیاز به تدوین رساله ای دارد که پیشینه تاریخ تحولات سیاسی، چگونگی تقسیمات اداری - نظام آگوشی و کلتوری تدوین تاریخ و کیفیت و وضعیت نظامی و ۰۰۰ نظامهای خودکامه گذشته را به تحلیل گیرد در این مقاله به گوشه ای از مسایل و داعیه ای که اکنون مطرح میباشد اشارت میگردد، امید آنکه در زمینه متخصصان موضوع توجه میدول دارند.

پس از تحول بزرگ و شگرف در اواخر سال ۱۳۷۰ در سمت شمال کشور که فتح کابل، فروپاشی رژیم نجیب و دست نشانده را به ارمان داشت. طرح سازمان ملل در حمل پرابلم افغانستان از طریق مذاکرات دیپلوماسی عقیم ماند و آقای بنین سیوان پایه پای حوادث از قافله عقب ماند کابل بدست توانمند نیروهای ملی و اسلامی فتح گردید.

در چنین هنگامه ای طرح دولت موقت و عبوری با ارزیابی شتاب زده که همه جانبه و فراگیر نبود پی ریزی گردید و اعلام شد در واقع اشتباهی بود که عواقب وخیم و ناهنجاری را در پی داشت. قوتهای جهادی و ملی عمده در تدوین و اعلام آن نادیده انگاشته شده بود و وقتی دولت موقت بتاريخ ۷ ثور ۷۱ در کابل میروید ثبات و امنیت را ایجاد نمیتواند و جنگهای خونینی رخ داد می نماید و تلفات انسانی را ببار می آورد، و افکار عمومی را بخود معطوف نمیدارد، گرچند که تلاشهای آقای مجددی شخصاً در بعضی موارد در خور اهمیت بوده است که آن اشترک حزب وحدت اسلامی که عمده ترین حزب در جامعه افغانستان محسوب میگردد و جنبش اسلامی شمال که بزرگترین قوت ملی را به سرکردگی جنرال دوستم و سید منصور نادری و نیروهای حزب وحدت

اسلامی در شمال کشور بوجود آورده اند در دولت عبوری بود. با آنها هم طرح پشاور تاکنون در - هاله از ابهام فرورفته و آینده مبهمی را تداعی اذهان عمومی می نماید.

در چنین وضعیتی است که داعیه نظام فدرالی در نحوه سیستم اداری آینده کشور از طرف جنبش اسلامی ملی شمال مطرح می گردد، مدعیان این داعیه با مدعیان نظام مبتنی بر اصول و ضوابط ایدئولوژیکی توحیدی که حضور فیزیکی ملیت های محروم و ساکنان افغانستان را معیار قاعده های وسیع و ایجاد سیستم مطلوب میدانند همسوی وهم جهت میباشدند، که در واقع در جهت دفاع از حقوق حقه ملیت های محروم و تحت ستم نظامهای خود محور و مطلقه گذشته می باشند.

آنان که مخالف این داعیه میباشدند در واقع وارثان نظام فاشستی گذشته بوده ولی هیچگاهی مستقیم بر رد آن نپرداخته اند بلکه در قالب به ظاهر انقلابی و اتهام بستن به تجزیه گرائی و غیره به مبارزه برخاسته اند. که در واقع از واقعیت های عینی اجتماعی گریز داشته در پی برهم زدن معادلات سیاسی از راههای مرموز و زمانی دامن زدن به مسایل مذهبی میباشد بعضاً هم آب از چشمه بیگانگان از فراسوی مرزهای کشوری خورند که حضور اینگونه افراد در غائله آفرینی هائی که در کابل صورت دادند شاهد بر مدعا است.

جنای دیگر که میانه ای بین دوطیف اجتماعی یا جناحهای عمده سیاسی قرار دارد معادلات و موازنه قدرت را سبک و سنگین می نمایند خود موضع مبهم دارد یا از تضاد موجود اجتماعی منتفع بوده وضع را مطلوب میدانند ۱۱۰ تا ۱۳۹۴

داعیه نظام فدرالی در کشور در مصاحبه ای آقای جنرال سید منصور نادری بتاريخ ۱۴ ۳ ۱۳۷۱ - که در اعلامیه پایانی جنبش اسلامی ملی، سمت شمال آمده است از رادیو بی بی سی پخش گردید: که حاوی مطالب ذیل بود:

" ۱ - تساوی حقوق کامل تمام ملیت ها و اقوام ساکن کشور، در عرصه های سیاسی، اجتماعی، ملی و فرهنگی.

۲ - در نظر گرفتن نقش مؤثر مطلوب همه ملیت ها در ساختار کلی

دستگاه اجرائی، قضائی و تقنینی کشور.

۳ - سهم عادلانه همه ملیت ها و اقوام در ساختار کلی نیروهای امنیتی و نظامی کشور.

۴ - سهم و نقش همه ملیت ها و اقوام کشور در ساختار و پست های دیپلوماتیک و نمایندگی های سیاسی.

۵ - عدالت اجتماعی و پیشبینی سیستم فدرالی بر طبق خصوصیات ملی و تاریخی در قانون اساسی کشور.

۶ - تعیین ساختن فرماندهان و نیروهای مسلح تنظیم های جهادی در رهبری نظامی، سیاسی کشور بخاطر نقش مؤثرشان در سرنگونی رژیم استکباری و وابسته.

وی در قسمتی از سخنانش بیان داشت:

سیستم فدرالی را مثل آمریکا و پاکستان می خواهیم، مانمی خواهیم که آنها از حکومت مرکزی جدا باشند، می خواهیم که تقویه بخود حکومت مرکزی در کابل باشد"

اکنون که این داعیه مطمح نظر میباشد باید دید چگونه میباشد؟ آیا ساختار اجتماعی افغانستان و واقعیت های عینی سیاسی منطبق می باشد یا نه؟ در اینکه فدرال فرم جدیدی از حکومت میباشد و برای نخستین باری است که بطور جدی از جانب قوتهای بزرگ ملی و روشنفکران در افغانستان ارائه میگردد و لازم و ضروری است تعاریفی که از حکومت فدرال در فرهنگ و علوم سیاسی آمده است روشن گردد و اجمالاً "هم که شده بررسی شود در دسترس عموم مردم افغانستان قرار گیرد. در تعریف حکومت فدرال آمده است: " آن قانون اساسی که حوزه قضائی مستقل را برای عده ای از واحدهای حکومتی جز تضمین کند، قانون اساسی فدرال نامیده میشود، بر سر تعریف حکومت یک کشور فدرال تناقضات گسترده ای در گرفته است، با کنار گذاشتن این مسئله که در وضع فدرال چه کسی حاکمیت و اقتدار را در دست دارد نمیتوان گفت که فدرالیسم يك سیستم حکومتی است که بموجب يك قانون اساسی قدرت سیاسی را بر اساس قلمرو تقسیم میکند حتی متمرکزترین حکومت حدودی از اختیارات مربوط به خروج از حالت تمرکز را به مقامات

محلی واگذار خواهد کرد " (۱) صفحه ۱۱

امام حسین (ع) و ۰۰۰

اونواده منجی بشر حضرت خیر البشر خاتم الانبیاء پیغمبر بزرگوار اسلام و مسلمین جهان است آن حضرت فضیلت و کمال را از پاك ترين و بزرگترین خوانواده بشری و اسلامی ارث گرفته است علم و تقوی ، شجاعت و سخاوت و بزرگواری و عظمت را در مکتب وحی و تنزیل و در بیت رسالت و نبوت آموخته است و در مدرسه ولایت تربیت یافته است امام حسین (ع) مدت شش سال در تحت حمایت و تربیت و در آغوش پیرمهر و محبت و در محضر بابرکت رسول خدا نشوونما کرد در زمان حیوای رسول اکرم (ص) و پس از رحلت آن سید عالم دومین مربی و معلم او بانوی باعظمت اسلام صدیقه کبری فاطمه زهرا آن که بارها رسول خدا در باره اش فرمود فاطمه ام ابیها فاطمه مادر پدر است بارها فرمود فاطمه بقعه منی فاطمه پاره تن من است فاطمه که دارای صحیفه و هم صحبت فرشته سبحانی بود آن امام همام قریب چهل سال با برادر و هم درس و هم کلاس بزرگوارش امام حسن مجتبی (ع) که بروایت شیعه و سنی پیغمبر مکررا فرموده " الحسن والحسین سیدئ شباب اهل الجنة " دو فرزند آن من امام حسن و امام حسین سید جوانان اهل بهشت اند و پیغمبر اسلام بروایت همه اهل حدیث فرمود " حسن و حسین دوتا امام و پیشوای مسلمین است " این دو تالیار و یاور، برادر و هم کلاس در مکتب ولایت پدرشان امیرالمؤمنین که پیغمبر (ص) فرموده است " انامدینه العلم وعلی بابها " من شهر علم علی هم در آن است در مدرسه باب علم الهی درس آموختند و تربیت شدند.

آری چنین نسل شریف و چنین بیت عظیم امام را تربیت کرد که رهبر معصوم و پاک جهان اسلام گردید و شخصیت فوق العاده و مظهر کل کمال انسانی و بشری و امام و پیشوا و مسلمانان گردید، امام حسین استاد و معلم الگو و اسوه و نمونه برای همه مسلمین جهان بلکه همه ادمیت و انسانیت

است ، امام حسین سرآمد تمام کمال و اخلاق است در تقوی ، علم ، سخاوت ، شجاعت عدالت ، اخلاص بخدا و جهاد و ۰۰۰ که نمونه هائی درین نوشتار ذکر میشود در جنود و سخاوت و بذل و عطا در انعام و بخشش بفقرا و مساکین در کمک و مساعدت به بینوایان و مضطربین در اطعام طعام به ایتام و مستحقین زبان زد خاص و عام و مثل در جزیره العرب بود در تمام کتب تاریخی و حدیث ذکر شده است آنقدر نان و طعام در پشتش حمل کرد و بفقرا و ایتام آورد که اثر حمل آن روی شانه مبارکش نقش بست در حلقم و بر دباری ، صبر و شکیبائی همانند کوه بزرگ استقامت داشت که اخلاق حمیده و رویه پسندیده آن حضرت باعث هدایت گمراهان شد، عصام ابیبن مطلق دمشقی که آنها را دستگاه اموی به دشمنی و عداوت با امیرالمؤمنین علی (ع) و حسین (ع) تربیت کرده بود در مدینه می آید با امام حسین (ع) روبرو میشود، عظمت و بزرگواری و سیمای ملکوتی آن حضرت مرد شامی رامیهوت می سازد سوال میکند ای بن بزرگوار کیست ؟ میگویدند امام حسین (ع) فرزند علی ابن ابیطالب است ، کینه های باطنی آن مرد تحریک میشود اسائه ادب و فحاشی و هرزه گویی مینماید به امام دشنام میدهد و وقتیکه مرد شامی سکوت میکند امام سر را بلند کرده میفرماید مرد مسافر از کجائی میگردید از شام امام مثل عربی را بزبان می آورد که میفهماند خاصیت شما مردم چنین است در برابر دشنام های وی میفرماید برادر چرادر دشنام میگوئی تو که مسافر و غریب هستی هر حاجت داشته باشی انجام میدهم اگر راه گم کرده راهنمائی ات میکنم اگر مریضی طبیب برایت می آورد ، گرسنه ای طعامت میدهم ، برهنه ای لباست میدهم ، فقیری مالی برایت میدهم اگر منزل و جاه نداری ما خانه وسیع داریم تا در مدینه هستی مهمان من باش به تو خوش میگذرد آن مرد گفت آرزو کردم زمین چاک شود و من را در خود فرو برد تا چهره امام را بنینم آنقدر خجالت کشیدم خود را روی پای حضرت انداختم و عفو خواستم و توبه کردم و التماس کردم که مرا بی بخشد، احترام آن حضرت به شعائر الله و علاقه آن حضرت به فرایض و سنن اسلامی و دستورات الهی بمرتبه ای است که انسان را بوجد می آورد تاریخ ثبت کرده است

که برای رفتن زیارت بیت اله ۲۵ مرتبه از مدینه تا مکه مسافرت کرد اسب هایدک می کشیدند اکثر امام پیاده میرفت و میگفت از جدم شنیدم فرمود افضل الاعمال احمضها آن عمل عبادی که مشقتش بیشتر است فضیلتش افزونتر است ، در برخورد ها چنان مودب بود که بتمام معنی احترام مسلمان ها را رعایت میفرمود روزی با برادر بزرگوارش امام حسن (ع) که دو تانوجوان بودند دیدند پیر مردی وضو میگیرد که وضویش صحیح نیست اگر به او بگویند وضویت نادرست است به این مرد بی احترامی شده است تدبیر سنجدند نزد آن مرد رفتند با ادای سلام گفتند عمو جان ما دوبار در مسئله مسابقه داریم شما حکمیت نمائید، من میگویم خوب وضو میگیرم برادرم میگوید من خوب وضو میگیرم ، حال وضو میگیرم شما مشاهده نموده قضاوت کنید کدام بهتر است ، بعد از وضو رفتن حسین پیر مرد متوجه شد که آن بزرگواران درسی به او آموخته اند عرض کرد قربان شما بروم من فهمیدم که وضوی من باطل بوده است شما بمن وضو رفتن رایا داددید و از شما تشکر میکنم ، این درس عالی و زیبا است برای همه مسلمین مخصوصا جوانان مسلمان که در معاشرت ها چنین اداب را رعایت نمایند، شجاعت آن حضرت ضرب المثل است در جهاد فی سبیل الله برای حفظ دین خدا از همه چیزش گذشت برای حفظ دین و قرآن و اسلام همه اعوان و جوانانش را بقریانگاه فرستاد و حماسه جاودانه عاشورا را آفرید عاشورای حسینی با شعار سرخ و خونین در تاریخ اسلام درخشش تابان داشته مشغل فروزان فراه راه حریت طلبان و آزادی خواهان است عاشورای حسینی راه آزادیست و آزاد زندگی نمودن و با افتخار مردن را به راهبان و رهروان راه حقیقت راهنمائی می نماید، قیام حسین (ع) پیشوای عادل مسلمین و امام معصوم مؤمنین این مظهر کامل عدالت و حریت در برابر دستگاه فاسد اموی است که دولت اسلامی و حکومت عدل الهی را به سلطنت اشرافی و دستگاه اختناق و دیکتاتوری تبدیل ساخته اند و برای محو اسلام و اخلاق اسلامی تلاش دارند تا سایه شوم رژیم فاشستی اموی را بنام حکومت اسلامی در جهان اسلام تحکیم بخشد .

ابی عبدالله الحسین (ع) با قیام خونین خود کاخ ظلم و ستم و فحشا و فساد



یگانه راه حل...

نوامیس ملی و تمامیت ارضی کشور بعمل آورده اند در تاریخ ثبت است .
 آری اگر تاریخ حکمرانی صدساله ،
 اخیر شاهان و حاکمان این مرزوبوم را ورق -
 بزیم بلااستثنی نوکران و دست نشانندگان
 اجنبی بوده که مملو از خیانت و جنایت
 است هرگز گامی در جهت رفاه ، آسایش
 رشد و انکشاف کشور برداشته بلکه -
 با ایجاد تفرقه و اختلاف در میان قبائل
 بزرگ ساکن کشور و بایکارگیری شیوه تعصب
 خشک نژادی و مذهبی و جانبداری از قشر
 خاص جامعه آنان را ملعبه دست قرار
 داده برسانر ملتها ظلم و ستم های بسیاری
 بعمل آمده ، این روش چنان طولانی ادامه
 یافته که همان قشری که در دستگاه هیات
 حاکمه راه داشته طوری عادت کرده اند
 گویا برای همیشه بایست حاکم بر دیگران
 باشد ، تحمل غیر از خودشان بسیار دشوار -
 است .

رژیم های فاسد گذشته با در دست
 داشتن قدرت مطلقه کوشیده است بر
 خیانتها و جنایات شان سرپوش قانونی
 بگذارند ، مثلا " یکی از مجراهای چینی -
 ظلم ناروا که اکثریت ملت های افغانستان
 را از هرگونه حق و حقوقی محروم ساخته بود
 تقسیمات غیر عادلانه سیستم و ساختار
 اداری و کشوری میباشد که باز برپا
 گذاشتن کامل عدالت اجتماعی نه بر
 اساس تناسب و معیار نفوسی که يك اصل
 پذیرفته شده حقوقی و بین المللی است
 بلکه با این دیدهرجاه و منطقه ای که
 از تبار و طرفدار خودشان ساکن بوده در -
 آنجا مرکز ولایت و ولسوالی انتخاب
 گردیده و در مناطق دیگری که از سلسله
 خودشان نبوده حتی امتیاز یک علاقه
 داری هم داده نشده ، آنها از این طریق
 هم به هواداران خود امتیاز داده و هم
 بحساب هر مرکز ولایت و ولسوالی در -
 پارلمان نماینده می پذیرفت که طبعاً
 در مجلس کسانی راه می یافت که جز عناصر
 خودشان بود ، آنگاه تمام قوانین
 اجتماعی و مدنی کشور با اکثریت قاطع

تنظیم و بشکل قانونی مردم از حق و نوبت
 شان محروم می گردید ، بنابراین امروز که
 قیام و انقلاب ۱۴ ساله مردم ما بقیمت گمت گرافی
 به شمر رسیده می بینیم هنوز سایه شوم
 تاریخ گذشته بر ماهیت مسائیل پراهمیاهمیت
 جاری کشور سایه انداخته حتی مانع از توافق
 بر این که آرمانهای والای انقلاب تحقق یابد
 شده بطوریکه هم اکنون تمام نیروی جای جامعه
 در دو دسته خاص فکری قرار گرفته .

۱- دسته اول نیروهای جهادهادی که
 خود را وارث و شریک حاکمان دوران صدساله
 گذشته نیز میدانند هم اکنون در تلاش است
 جامعه ستم زده را بهمان سیستم دولتی
 قبلی برگردانند یعنی میخواهند که تمام
 امور کشور بر مبنی همان خط ناپاکی راکا که
 فاشیست های قرن بر جای گذاشته حل و فصل
 شود منتهی با رنگ انقلابی داده شود .
 در مورد حقوق اقشار دیگر جامعه انتظار
 دارند و سعی مینمایند که بهمان میزانانی که
 در گذشته در اداره کشور سهمیم بوده اکتانگون
 نیز بهمان شکل باشد که این روئیا خود یکدیگی
 از علل های مهم عدم توافق در حل بحران
 و سرو سامان دادن حکومت موقت اسلاملامی
 در افغانستان بشمار می آید .

۲- دسته دوم نیروهای جهادهادی
 متشکل از میلت های شلاق خورده صدساله اخیر
 تاریخ است که در دوران ۱۴ ساله انقلاب
 و جهاد مقدس مردانه همه هستی خود
 را در طبق اخلاص گذاشته و در راه آزادی و نوبت
 ارضی کشور جان و مال بی شماری فدا کرده و -
 توانسته زنجیرهای اسارت و برده گی رلی را پاره
 نماید ، افتخار شگفت بزرگترین قدرت
 جهنمی روس را با خود دار و در صحنه
 نیز حضور پر قدرت دارند ، لذابه هیچ وجه
 حاضر نیست کسی از آرمانهای والای انقلاب
 اسلامی یک گام عقب بگذارد ، بلکه خواهان
 برقراری عدالت اجتماعی بر مبنی اسلام
 عزیز که بخاطر آن خیلی از عزیزان خود را در آرزو
 دست داده ورنحای بی شماری را متحمل
 شده اند تا همه اقشار ساکن کشور برادرانند
 و مساویانه هر قشری به پیمان وجود فیکزیکی
 خود در تعیین سرنوشت و اداره مملکت
 و تمام امتیازات همانطوریکه در رنج آن -
 شریک بوده شریک باشند .

با این وصف زمینه اختلافات
 و کشمکش بسیار زیاد است زیرا بنظر میرسد
 دسته اول در موضع خود در تمام امور پافشاری
 دارد چرا که در مغز و موخ آنان جانی برای
 دیگران وجود ندارد ، اگر هم دارد بمشابه
 دوران گذشته ، دسته دوم نیز دیگر حاضر
 نیست تاریخ بر سرشان تکرار شود بلکه
 میخواهد سرنوشت شان بدست خود آنان
 تعیین گردد و بقدر وجود نفوسی خود صاحب
 حق باشند ، بنابراین اگر کسی ادعای سلطه
 و پاداری بر دیگران را ندارد و بر حزن واقعی
 خود قانع است یگانه راه حل معقول بر رفع
 تمام منازعات و نجات کشور از خطر تجزیه
 و جنگ های خانمانسوز همانا ایجاد و تغییر
 در سیستم اداره مملکت بشکل فدرالی
 میباشد که هم خیلی از اختلافات را حل
 مینماید و هم تمامیت ارضی کشور حفظ می
 گردد ، و از جانبی مجراهای ظلم برای همیشه
 مسدود میگردد . پایان

مردم افغانستان...

از میلیونها مردم مسلمان شیعه و هزاره -
 نمایندگی مینماید خواستار حقوق مساویانه
 و عادلانه برای همه مردم مسلمان
 این سرزمین است تا صلح و ثبات و امنیت
 در کشور برقرار شود .

حزب وحدت همه اقوام و ملیتها
 مسلمان را برادر خود میدانند و هرگونه
 تبعیض نژادی ، منطقه ای ، لسانی
 و مذهبی را مردود میدانند ، خواهان زندگی
 دوستانه و برادرانه بین همه اقشار مسلمان
 افغانستان است ، حزب وحدت اسلامی
 خواستار تشکیل دولت توسط خود مردم
 است که همه در تعیین سرنوشت خود
 سهمیم بوده و رژیم اسلامی مستقل ، واحد
 با تمامیت ارضی دارای مرزهای مشخص
 بین المللی است .

حزب وحدت اسلامی سیستم
 فدرالی که جنبش ملی اسلامی سمت شمال
 کشور مطرح ساخته تائید نموده بهترین
 روش برای رسیدن همه اقوام بحقوق
 مساویانه و بهترین طریق برای حفظ
 استقلال و تمامیت ارضی با داشتن حکومت
 مرکزی قوی میدانند . پایان

مردم افغانستان...

بشرو... تشکیل گردیده است، متأسفانه کشور افغانستان در دست رژیم های فاسد محمدزائی و کمونستی گرفتار آمدند که زندان دسته جمعی و جهنم هولناک از آن سرزمین بهشتی برای ملت مظلوم و مسلمان ما ساختند دوره طولانی و ننگین حکومت دیکتاتوری و فاشستی ظاهر خان و داود خان رژیم ضد اسلامی و انسانی رژیم تبعیض و تعصب و حاکمیت جهل و بی خردی بود، هر فردی با وجدان و انسان آزاده و هر مسلمان حق طلب از هر قوم و قبیله پشتون، هزاره، ازبک تاجیک و... از آن روش ظالمانه متنفر و بیزار است. حال که در آستانه تأسیس نظام نوین و در طلیعه تشکیل حکومت اسلامی قرار داریم که در پرتو آن حقوق همه اقشار و ملیت های مسلمان آن کشور محفوظ خواهد بود.

خوب است مروری کوتاه بر ساختار و رفتار دولت سرداران محمدزائی کنیم و آگاه شویم که در طول سلطنت ۶۰ ساله ظاهر خان و داود خان و دست پروردگان شان مارکسیستهای خلق و پرچم بر ملت ما چه گذشت بررسی کنیم که رژیم سردار سالاری ظاهر شاه که برنامه تبلیغاتی و سفارشی رادیویی و مطبوعاتی وی از دیموکراسی و عدالت اجتماعی و رفاه ملت و رعیت دم میزد چگونه فاشستی و دیکتاتوری و انحصاری و طبقاتی بود فساد اخلاقی و اجتماعی از شخص شا آغاز می شد و که تا آخرین روزهای پادشاهی اش چنان غرق در فساد بود که لسان و قلم از بیان آن خجالت می کشد.

فقر اقتصادی: افغانستان با داشتن منابع طبیعی و سرزمین مستور کشاورزی و مال داری و دام پروری و معادن غنی طلا، لاجورد لعل، ودهها احجار گریمه و قیمتی، مس آهن، نفت و گاز و... و نیروی قوی کارگری از اثر بی کفایتی و بی توجهی مسئولین مملکت بفقیر عمومی مبتلا بود.

تبعیض منطقه: عملاً "کشور را به مناطق ترقی یافته و عقب نگه داشته شده تجزیه و تقسیم کرده بودند فقط مناطق شرقی، جنوبی و قندهار به تعبیر دیگر جاهای پشتون نشین مورد توجه قرار گرفته برنامه و بودجه داشته از عمران و آبادانی

زراعت و آبیاری و... برخوردار بودند دیگر مناطق اکثراً "بحال قدیمی و طبیعی باقیمانده بود از اینکه در قندهار و هلمند مکاتب عالی و مسلکی دایر شد و در پکتیا مکتب تخنیک و در جلال آباد فاکولته (دانشکده) طبیب و پزشکی ساخته شد کول معروف و پریپیچ و صعب العبور تیره، جنوبی و ماهی پر مشرقی دارای بهترین حاده و سرگرد اسفالته شد سروریم، ولی از اینکه در مناطق ترکستان و هزاره جات حتی از مکاتب ابتدائیه خبری نبود اکثر و دارورانی شناختند راهها فقط پیاده و روسیله نقلیه الاغ محلی بود سرگرد و جاده، بیمارستان و شفاخانه، مکتب و مدرسه، کارخانه و فابریکه نداشتند تا اثر داریم، زمانیکه کوههای آسمانی کابل از لامپ های قوی برق نورانی ساخته بودند در هزاره جات و ترکستان از چراغ موشی نفتی هم خبری نبود، اکثراً "خانه های گیلی و وزیر زمینهای تاریک دوی خود را به هیزم کوهستانی روشن نموده و به شعاع آن غذایی خوردگار میکردند **تبعیض قبیلوی:**

مردم جنوبی پکتیا از سربازی و خدمت عسکری معاف بودند مالیات محصول و خراج دولتی نمیدادند، ولی برای خوانین و سران قبایل شان معاش ماهواره از دولت پرداخت می شد، مکاتب عالی شبانه روزی در کابل برای دانش جویان شان ساخته بودند لیسه های رحمن بابا و لیسه خوشحال خان و... مخصوص جوان های پشتون، مشرقی و جنوبی بودند ریاست مستقل قبایل با هزینه هنگفت دولتی فقط در خدمت آنها بود در حالیکه مردم هزاره، ازبک تاجیک و ترکمن و... و تمام ولایات دیگر کشور مالیات می دادند خدمت عسگری میکردند و تمام خدمات دولتی را انجام میدادند اما از همه امتیازات محروم بودند و در مکاتب لیلیه کابل پذیرفته نمی شدند در مناطق ایشان مدرسه عالی وجود نداشت کاملاً "از تعلیم و تربیه بی بهره مانده بی سواد عمومی برایشان حاکم بود.

تعلیم هزاره ها ممنوع شد:

سردار هاشم خان که از سال ۱۳۰۸ آغاز حکومت نادر خان تا ۱۳۲۵ مدت ۱۷ سال صدراعظم افغانستان بود در فرمان نمبر ۸۷۵ بوزارت معارف امر داد که از دخول و ولادهای شیعه (هزاره) در مکاتب عالی و مخصوصاً

در مکاتب عسکری جلوگیری بعمل آید، سردار داود خان که ۸ سال وزیر دفاع و صدراعظم افغانستان بود در لیسه عسکری مکتب فرستاد فرستاد که دانش جویان شیعه را در آن لیسه شامل ننمایند بعد ها این نامه توسط آقای جنرال ملکیار مدیر لیسه عسکری مهتاب قلعه کابل فاش شد.

سیستم اداری:

سیستم اداری افغانستان کاملاً

فاشستی بود و تقسیمات اداری کاملاً "روی تبعیض و تعصب استوار و عیار شده بود بعضی مناطق از دو صد هزار نفریک و لسوالی تشکیل شده بود در بعضی مناطق از دو هزار نفریک و لسوالی ساخته بودند، در تقسیم بندی ولایات هم این تبعیض کاملاً "به کار گرفته شده بود چون از هر و لسوالی یک نفر وکیل در مجلس شورا و از هر ولایت یک نفر سناتور در مجلس سنا انتخاب می شد کمکهای دولتی تعیین و تقسیم بودجه، پلان گذاری و برنامه ریزی روی ولایات و لسوالیها بود و تمام امتیازات بر محور ولایت و لسوالی عیار می شد در مناطق پشتون ولایات زیاد و لسوالی های بسیار از جمعیت کم تشکیل گردید، مناطق دیگر مردم خصوصاً "هزاره جات را از مرکز ولایات محروم ساختند و لسوالیهای شان را در ولایات دور دست ملحق ساختند.

نمونه هایی از تفاوت و لسوالیها:

مابرای واضح شدن موضوع

بعضی نمونه هارامی آوریم در ولایت غزنی ناوه مفرکه از مقر جدا شده است و نور محمد تره کی رهبر کودتای کمونستی از آن جاه بود در دوره ۲۳ مجلس شورا خود را از ناوه مقرر کاندید کرد و در انتخابات شکست خورد در مجلس اعتراض کرد که در انتخابات خیانت شده است، زیرا تمام کسانی که شرایط رای دهی در آن و لسوالی دارند یک هزار نفر است، شمارش آرا به یک هزار و یکصد رسیده است در همسایگی مقر و لسوالی جاغوری در همان دوره بیشتر از چهار هزار رای در صندوق ها انداخته شد که اگر به تناسب نفوس و اعتبار آراء میبود جاغوری باید چهار نفر وکیل میداشت، نمونه دیگر در ولایت غزنی دو و لسوالی کم نفوس پشتون را به ولایت ارتقا دادند و لسوالی قلات را ولایت زابل ساختند و لسوالی ارگون را -

ولایت پکتیکا اعلام کردند که هرکدام این دو ولایت با حومه و ولسوالی های خود کمتر از جاغوری نفوس دارند ولی جاغوری — ماستان، ناهورو ۰۰۰ که هرکدام بیشتر از قلات و زیاده تر از ارگون نفوس دارند تحت تشکیل ولسوالی و جزه ولایت غزنی باقی ماند.

نمونه دیگر: تمام نفوس و وسعت ارضی ۴ تا ولایت ننگرهار (جلال آباد) و کنرها ولغمان و کاپیسا تقریباً برابر یک ولایت هرات است و در هر یک از ولایات چهارگانه فوق و ولایت پکتیا و دهها ولسوالی وجود دارد که تعداد نفوس شان از دو هزار یا پنج هزار نفر بیشتر نیست ولی در ولایت ارزگان تنها ولسوالی دایکندی یکصد و هشتاد هزار جمعیت از مردم هزاره دارد.

اداره افغانستان کلا "انحصاری بود:

در ادارات افغانستان هزاره از یک و ۰۰۰ اصلاً سهم نداشتند در طول سلطنت ظاهر، داود، برای اداره یکی از ولایات کشور یکنفر والی هزاره یا از یک یا ترکمن نبود در حده وزارت یکنفر وزیر یا معین از مردم هزاره نبود مدیر کل یا رئیس ریاست ها از مردم شیعه نبود در ۱۶ ولسوالی یکنفر ولسوال از مردم هزاره نبود در وزارت دفاع خارجه مردم شیعه را راه ندادند در دوره نظام وظیفه عسکری جوانان هزاره را آموزش اسلحه ثقیله نمیدادند در تانگ و توپ نمی گذاشتند آشنا شوند.

تقسیم مراکز ولایات:

در تقسیم مراکز ولایات یک مرکز ولایت هم برای مردم هزاره و شیعه ندادند ۲۰ نفر وکلای هزاره در دوره ۱۲ شوز از ظاهر خان تقاضای چند مرکز ولایت نمودند که شاید به بیمارستان و مکاتب عالی و دستگاه تیلیف و مزایای دیگر دست یابند ایشان هم وعده بسیار شاهانه و شیرین دادند که یکنفر وکیل از فضلا و دانشمندان هزاره نزد آقای شالیزی وزیر داخله رفتند خواستند ولایات که شاه وعده داده است تعیین فرماید آقای شالیزی در جواب گفتند این تغییرها امکان ندارد چون بشما وعده میدهد بما و صدراعظم دستور میدهد که اجرا نشود. میدان شهر مرکز ولایت میدان که ولسوالی های دور دست هزاره جات به آن مربوط است در حومه شهر کابل ساختند در فصل زمستان اگر کسی کار اداری داشته باشد در دو

هفته نمیتواند خود را بر مرکز ولایت برسانند این شهر باید در وسط منطقه ولایت نشین در مرکز یکی از ولسوالی های بهسود قرار می داشت و کاملاً زمین هم داشت و لسی خواستند.

جاده ها و سرگهها هم منطوقی بود:

شاهراه کابل هرات را با فاصله یک هزار کیلومتر از طریق مقر، قلات، قنقندهار و از مسیر دشت سوزان بی آب و غیر مسکونونی دشت بکوی که قریب چهار صد کیلومتر امتداد دارد کشیدند جاده کابل-هرات از مسیر منطقه هزاره جات که پنجم صد کیلومتر فاصله دارد و کاملاً از مناطقی مسکونی عبور مینماید و کارهای مقدماتی آن تکمیل شده بود تعطیل کردند، فاصله بلخ و هرات از مسیر میمنه و غور و بادغیس کمتر از چهار صد کیلومتر است چون مورد توجه قرار نگرفته است باید مسافر بلخ خالی هرات از مسیر کابل یک هزار و چهار صد کیلومتر راه را طی نماید.

تبعیض زبانی:

در طول تاریخ حکومت محمد زائلی هاتلاش بر این بود که زبان پشتو بهمه مردم تحمیل شود و زبان رسمی قرار گیرد و سسسه پرخرج پشتو تولنه راتا سسین کردند کارمندان دولت روزیک ساعت کار رسمی راترك کردند - مجبور بودند به کلاس پشتو حاضر شوند و کسانی که بدرس شرکت نمیکردند در برابر هر روز غیر حاضری پنج روزه حقوق شان کن کسر میشد، در دو سال دوره خدمت عسکری هزاره از یک و ۰۰۰ را جبراً "بدرس پشتو حاضر" و کسانی که یاد نمیگرفتند شکنجه میشدند با تمامی این تلاشها موفق نشدند و زحمات بی ثمر ماند میخواستند زبان دری که نسلها و قرن ها رایج و زبان مادری مردم میباشد فضلا و شعرا مثل بیهقی، سنائی غزنوی و مولانا جلال الدین بلخی، ابن سینا بلخی بزبان دری تکلم میکردند و شعر سرودند و کتاب هانوان نوشتند زبان مورد علاقه مردم است، چند ولایت محدود قنندهار، پکتیا، ننگرهار و بخش از غزنی و میدان و لوگر پشتو زبان هستند دید دیگر ولایات کابل، پروان، بامیان، بغلان، کنکندز، تخار، بدخشان، سمنگان، بلخ، جوزجیان، غور، بادغیس، ارزگان، هرات، فراه و ونیمروز و بخش اعظم ولایت غزنی و میدان و لوگر

وقسمتی از هلمند و کاپیسا دری زبان هستند و بعضاً از یکی و ترکی حرف میزنند، عجیب این است آنانیکه دستور یادگیری زبان پشتو را میدادند خود نیز پشتو نمیدانستند بزبان دری تکلم میکردند، نامه مینوشتند.

مبارزه برای تحکیم زبان پشتو:

غلام محمد فرهاد رئیس شرکت برق کابل، کسانی را که درخواست برق برای منزل خود به فارسی می نوشت از تمدید برق منع میساخت چنانچه در وزارت معارف اگر درخواست شمولیت بمکاتب مسلکی ولیسه های کابل بزبان دری نوشته بود از شمولیت در مکاتب محروم می شد در سال ۴۲ در لویه جرگه سفارشی ظاهر خان آقای غلام محمد فرهاد وکیل ولایت کابل طرح انحصار رسمیت زبان پشتو را داد از طرف شیخ رمضانعلی شریفی وکیل مردم جاغوری با استدلال به آیات قرآن رد شد آقای شریفی گفت در قرآن فرموده **خلق الانسان علمه البیان** یعنی انسان را آفرید و حرف گفتن را تعلیم داد شما بیان را انحصار در پشتو میکنید خلاف قرآن است که آقای فرهاد قهرا "جلسه راترك کرد و مراجعت نمود دوره ۱۲ مجلس ماهها دعوی روی زبان و رسمیت زبان پشتو بود تا بالاخره مجبور شدند و با پایادری میانی ظاهر شاه زبان پشتو و دری بر رسمیت شناخته شد این چنین ستم فاشستی و ظلم های طبقاتی باعث عقب ماندگی افغانستان شد این عوامل بود که ملت شریف هزاره و مردم شیعه در زمان رژیم های سابق ناشناخته مژد و ۵٪ کل جمعیت ملت شیعه را معرفی میکردند.

دوره باند خلق و پرچم:

۱۳ سال حکومت مارکسیستی باند خلق و پرچم دست پروردگان رژیم سلطنتی مخصوصاً "دوره طولانی اشغال ارتش سرخ در افغانستان و حمام خون و جهنم سوزان برای همه ملیت ها و اقوام مسلمان افغانستان ساخته بودند که همه در جریان هستند، حالاکه از اثر جهاد مجاهدین و قیام و استقامت مردم سراسر افغانستان انقلاب به پیروزی رسید و دولت موقت تشکیل گردیده است و حکومت اسلامی بر اساس قرآن و سنت نبوی با رعایت حقوق همه ملیت های مسلمان و همه اقوام و عشایر حزب وحدت اسلامی که



شهید صادقی ستاره درخشان انقلاب اسلامی افغانستان

از قسمت پنجم

۱- خدمات علمی و فرهنگی :

یکی از خدمات ارزنده‌ای که استاد صادقی در منطقه انجام داد تا سه سیس حوزه علمیه و تدویر و تشکیل جلسات درس علوم و معارف اسلامی بود در شرایطی که جهل و بیسوادی و فقر فرهنگی در سراسر افغانستان خصوصا " مناطق مرکزی، میلیونها انسان مظلوم را در کام خود فرو برده و بر اثر خیانت دست پرورده گان استعمار جامعه اسلامی مادرشعله های آتش جهلی می سوختند و بجای ترویج علم و دانش و ایجاد مراکز فرهنگی و آموزشی و بالا بردن سطح فکری مردم، فساد و فحشا، بی بندوباری و عیاشی، تجمل گرایی و شبه کاری از جانب حکمرانان فاسد روز بروز شدت یافته و تبلیغ می شد و فرهنگ وارداتی شرق و غرب بعنوان مظهر تمدن و پیشرفت و فرهنگ غنی و انسان ساز اسلام نمونه از عقب ماندگی و تحجر گرائی از طرف جوانان شرق و غرب زده، تلقی میگردید و آخوند شدن و تحصیل درس حوزه ای مساوی با تنبلی و سربار جامعه شدن قلمداد می شد و ...

شهید صادقی نیلی برای برچیدن مظاهر جهل و بیسوادی و مبارزه علیه فقر فرهنگی و گسترش فرهنگ اصیل اسلامی و علوم معارف الهی اقدام به تاسیس حوزه علمیه در زادگاهش (نیلی) نمود و با تربیت شاگردان لایق و پیش کسوتان خدمت به اسلام و مسلمین، تحول و دگرگونی عمیق در ابعاد مختلف زندگی جامعه ما بوجود آورده و بذرا انقلاب فکری و فرهنگی را در قلبهای پژمرده و افسرده آنان پاشید.

استاد عقیده داشت که حکومت های طاغوتی و ضد اسلامی حفظ قدرت او ادامه حیات ننگین شان را بر ملت های مسلمان در جهل و بیخبری و عدم آشنائی و آگاهی دانسته و در طول تاریخ از این روش و شیوه استعماری استفاده نموده اند چه اینکه آگاهی و بیداری مسلمانان سبب عدم اطاعت و فرمان برداری از دستورات حکومت ها شده و زمینه شورش و قیام همه گانی را در سراسر جهان فراهم خواهد نمود.

لذا استاد با این اندیشه که یکی از عوامل

: محقق دایکتدی

مهمی که میتوان دملت مسلمان افغانستان با ازیوغ بردگی و بندگی و زنجیر اسارت بار استعمار خارجی و استبداد داخلی رهائی بخشد آگاهی دادن به موده های رنج دیده و در بدر و گسترش علوم اسلامی میباشد و بر تحقیق این امر مهم و سرنوشت ساز، تدریس علوم دینی و معارف اسلامی را شروع نموده و با تسلط و آشنائی کامل وی بر سطح، در مدت کوتاهی منطقه نیلی بعنوان مرکز مهم و بزرگ علمی قرار گرفته و جمعی کثیر از روحانیون و فضلا مناطق مختلف ولایت ارزگان و عاشقان علم و دانش، پروانه وارد و رشمع وجودی وی جمع شده و از محضر پر فیض استاد استفاده مینمودند و تعداد شاگردانش در آن زمان، در طول سال بیش از یکصد و پنجاه نفر بوده که شخصا در دونوبت پیش از ظهر و بعد از ظهر روزانه تا هشت بار برای طلاب مدرسه تدریس مینمود با اینکه در کنار تدریس، رسیده گی به امور اجتماعی و اداره مردم را نیز بعهده داشت هیچ گاهی اظهار خستگی نمیگردید بلکه از بیکاری و تعطیلی درس و بحث حتی در ایام و مناسبات تاریخی و مذهبی ناراحت بنظر میرسید.

اگر امروز خطه قهرمان پرور روزگان مبشرین و بهترین شخصیت های جهادی و رجال سیاسی و مذهبی و روحانیون فداکار و ایثارگر کشور را بخود اختصاص داده و در مناطق مرکزی افغانستان بعنوان مرکز و کانون انقلاب اسلامی شناخته شد در طول ۱۳ سال انقلاب همانند دژ تسخیرناپذیر در برابر حملات دشمنان اسلام و ایادی شرقی و غربی آنها خصوصا " مکتب ساخته و پرداخته استعمار و هابیت مطرح بوده و حزب قدرتمند و نو پای وحدت اسلامی افغانستان به مشکل وسیع و گسترده ای از سایر ولایات کشور، در این نقطه تحکیم یافته است یقینا " مرهون فعالیت های صادقانه و تلاش های بی شائبه فکری و عملی استاد صادقی و برخاسته از متن حوزه علمیه نیلی و اندیشه های مقدس و نفس گرم و تدویر جلسات درس و بحث علمی و تبلیغاتی وی میباشد. براستی او عالمی بود وارسته و مدرسی بود توانا و مبلغی بود توانمند و خدمت گذاری بود دلسوز و مربی ای بود خود ساخته.

۲- راه اندازی و فعال نمودن مکاتب :

با توجه به عدم امکان تحصیلی تمامی نونهالان منطقه و آینده سازان کشور محدود بودن مکاتب و مدارس دولتی و مراکز آموزشی و نبودن امکانات فرهنگی از قبیل کتاب، قلم و کاغذ و ... و آنهم در شرایط جنگ و مبارزه، به نسبت اینکه مسئولین و دست اندرکاران سیاسی و اجتماعی کمتر توجه به سروسامان دادن وضعیت فرهنگی و رسیدگی به امور سواد آموزی فرزندان انقلاب نمایند علی الرغم این مشکلات فراوان و موانع متعدد شهید صادقی برای راه اندازی و فعال ساختن مکاتب و تاسیس مدارس جدید، تلاش فراوان نمود و پس از آزادی مناطق، در مدت کوتاهی با همت والا و تلاش پیگیر استاد مکاتب و مدارس در ولسوالیها و مناطق تابعه تحت تسلط مجاهدین فعال گردیده و فرزندان نونهالان مظلوم کشور مشغول به تحصیل شدند با اینکه در زمان انقلاب زمینه ای تحصیل آنان و فعال نمودن مکاتب در منطقه فراهم نبوده و جنگ با دشمن اشغالگر و دولت مزدور کابل وقت مسئولین امور صرف رسیدگی به وضعیت جبهه و جهاد و تدارک امکانات نظامی و اقتصادی محاهدین و اداره مردم می شد ولی استاد صادقی با تصمیم انقلابی و اسلامی خویش دهها باب مکتب و مدرسه را فعال ساخته و زمینه تحصیل هزاران دانش آموز را فراهم نمود تنها در منطقه نیلی در حدود هزار نفر دانش آموز مشغول تحصیل و سواد آموزی در دونوبت روزانه (قبل از ظهر و بعد از ظهر) بودند.

۳- تشکیل کلاسهای زمستانی برای بزرگسالان :

از آنجاکه در فصل بهار، تابستان و پاییز مردم مسلمان و مظلوم منطقه مشغول امور کشاورزی و زراعت داری و سایر کارهای مربوط به زندگی بوده و فرصت برای سواد آموزی و درس خواندن رانداشته و تنها فراغت آنان در طول ۳ ماه زمستان میباشد استاد صادقی برای استفاده بیشتر مردم از ایام بیکاری اقدام به تشکیل کلاسهای زمستانی برای بزرگسالان در منطقه کرده و علاوه بر سواد آموزی شان زمینه ای برای آشنائی بیسوادان را به احکام و عقاید اسلامی نیز فراهم ساخت چه اینکه از طرف مردم با اصول و مبانی اسلام و روابط اجتماعی و اخلاق اسلامی آشنا شده و از جانب دیگر

گزیده از سخنرانی خواهر فاطمه جاوید عضو کمیسیون زنان حزب وحدت اسلامی

افغانستان د رلیسه رابعه بلخي کابل تاریخ یخ ۲۴ ار ۱۳۷۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام
على خير خلقه محمد واله طاهرين ولعنه اله
على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين .

ضمن عرض سلام پيروزی رزمندگان
اسلام ومجاهدين قهرمان وپيروزی انقلاب
اسلامی را در افغانستان بشما استادان معظم
ومحترم حاضر در جلسه تبریک وتهنیت
میگویم .

استادان محترم ، خواهران عزیز
وگرامی باید بدانیم که این پيروزی خیلی
بسادگی وآسانی بدست نیامده وقدر این
استقلال را بدانیم و در راه حفظ این انقلاب
کوشا باشیم ، بشما بهتر معلوم است که این
پيروزی با دادن بیش از یکنیم میلیون شهید
هزاران مفقود الاثر ، بیش از ۸۰٪ خرابی
کشور و بی سرپناه شدن هزاران کودک بارنج
فراوان و بامحروم ومعلول شدن هزاران پیکر
هموطنان ما این پيروزی بدست آمده .

در چائی دیگر از سخنانش فرمودند که:
جای بسیار خرسندی است که استقلال کشور
از چنگ بیگانگان بدست آمد ، اگر ماهمه
چیز را امروز دارا میبودیم بارفاه وآسایش
زندگی میکردیم اما استقلال فکری نمیداشتیم
نسبت بان زندگی مرگ ترجیح داشت .

خوشبختانه درین راستا نسل زن که نیمی
از پیکر جامعه را تشکیل میدهد سهم بسزائی
داشته است ، اسلام نسبت به همه ادیان
بزن شخصیت داده ومیخواهد که زن باحفظ
حجابش در تمام صحنه های سیاسی ، اجتماعی
اخلاقی وفلسفی حضور داشته باشد ، غربیها
و کمونیستها در جامعه ما نقد تبلیغ کرده

خواهر فاطمه جاوید در پایان سخنرانی شان
در مورد رعایت حجاب و فعالیت زنان در -
عرصه های اجتماعی فرمودند :
خواهران بایست حجاب اسلامی را رعایت
نمایند ، اسلام مخالف فعالیت های زنان

است که بجز نامی از اسلام چیزی دیگر دیگری
باقی نمانده و اسلام را برای هموطنان مان مباروی
کار آمدن جمهوری اسلامی بشکل هیولایولا معرفی
کرده ، بدین لحاظ خواهران ما فکر می کنند
منزوی میشوند .



نیست اما مخالف بدحجابی است شخصیت
زن در پوشش زن است احیانا " اگر ما برهنه
بودن را استقلال زن بدانیم همانطوریکه بیاد
دارم یکی از خبرنگاران فرانسوی از امام خمینی
(رح) سؤال کرد شما که زن را پوشیده آید
شخصیت آنان را پامال کرده آید امام در جواب
فرمودند اگر " لخت بودن وبرهنه بودن آزادگی
محسوب میشود پس حیوانات از ما مترقی ترند
چون آنان برهنه ترند "

ایشان اعلام کردند که :

حزب وحدت اسلامی افغانستان احترام
والائی در قسمت شخصیت زن قائل است
یک کمیون از زنان دارند که در آن کمیون
زنان در تمام شورا های آنان شرکت دارند

پایان

در ادامه چنین ابراز داشتند :

جامعه زنان در تاریخ اسلام الگوهای بارزی از
چهره های پرافتخار دارند که در زمان مان قرون
واعما زن در صحنه ها حضور داشته است در زمان
پیامبر خدیجه کبری ، فاطمه زهرا ساس ، زینب
کبری قهرمان کربلا ، هم بسزائی داش داشته اند
در زمان فرعون زن مقدسی بنام آسیه که حضرت
موسی در امانش تربیه میشود ، یس - یسک زن
موءمن ومتعهد راهیج چیزی نمیتوانند از آزادی
ومذهبش جدا کنند ، فرعون برای آسیه میه مقام
جاه ، منزلت زرو بیور بهترین لباس باس و کاخ همه
چیز در اختیار اوست ولی او چون یک زن مؤمنه
است ایمان قوی دارد فرعون نمیتواند او را تمام
تجملاتش فریب دهد آسینه بیخاطر دیر دینش وبه
خاطر قانون الهی در آفتاب گرم سوزا موزان میخ
کوب میشود .

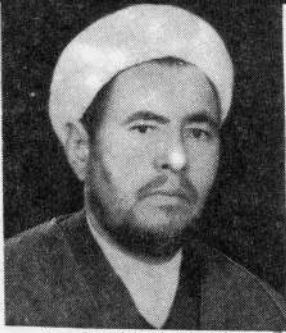
بقیه از شهید مادی ستاره درخشان ..
جلو بسیاری از ناهنجاریها و فساد های
اجتماعی را که ناشی از بیکاری وعدم سرگرمی
است گرفته خواهد شد بر این اساس در کل
مناطق آزاد شده وتحت تسلط مجاهدین
کوچکترین نا امنی رخ نداده ولت مسلمان
وقهرمان ما با آرامش خاطر و قلب آرام سنگز
های عزت وشرف را گرم نگه داشته وبسا
تحمل مشکلات روز افزون جنگ ، خواب راز
چشم دشمنان اسلام وانقلاب ، سلب نمود .

- ۱- مکتبها و احزاب سیاسی ۲۳-۳۴-۳۴ تالیف و ترجمه : مهندس فرشید چاپ دوم . ۰ م
- ۲- فرهنگ سیاسی ۱۲۸-۱۲۹ مونس تالیف داریوش آشوری چاپ یازدهم ۱۳۵۱۳۵۷ .
- ۳- مبانی علم سیاست ج ۱ ، ص ۳۰ ، ۳
- ۴- ۶-۵-۷ کتاب آشنائی با علم سیاست ج ۱ ، ۱

بقیه از فدرال خواهی یا

وطبیعی خود بر خور دار میباشند این یک
واقعیت انکار ناپذیر اجتماعی بدین
ملحوظ میباشد که دشمنان آزادی واستقلال
فکری وعدالت اجتماعی در جامعه افغانستان
با حربه اتهام بر نیر وهای ملی واسلامی
خورده میگیرند . پایان





حجت الاسلام والمسلمین مهدی نجفی رئیس
تحریک نفاذ فقه جعفری بلوچستان باجمعی از
اراکین تحریک باحجت الاسلام والمسلمین آقای
محقق افشار مسئول نمایندگی حزب وحدت ۲۰۰۱
در دفتر کارش ملاقات نمود:



روزنامه جنگ ۱۱ جولای ۱۹۹۲م

در تاریخ ۱۱ جولائی ۱۹۹۲م یک هیئتی تحت سرپرستی حجت الاسلام والمسلمین مهدی نجفی رئیس تحریک فقه نفاذ جعفریه در بلوچستان نمایندگی حزب وحدت اسلامی حضور یافته و باحجت الاسلام والمسلمین محقق افشار نماینده حزب وحدت اسلامی ملاقات نمود و درباره اوضاع فعلی افغانستان با ایشان بطور مفصل گفتگو کردند. جناب آقای افشار هیئت مزبور را از اوضاع کابل آگاه نمود و گفت که حزب وحدت اسلامی به تحقق رسانیدن خواسته های اساسی اش موفق شده است گرچند توافق نامه پشاور یک توطئه بود تا آنان را از دولت (نوتشکیل شده اسلامی) و سائر مجاهدین دور نگه داشته شود لکن ما این توطئه را فوراً درک نمودیم و آنرا خنثی کردیم و آفرودتا زمانیکه همه میلیتها و احزاب هابرحسب جمعیت و قوت جهادی نمایندگی داده نشود هیچ دولتی در کابل موءفق نخواهد شد که آنرا همه دیدند ایشان گفتند که نظر ما از ابتداهمین بوده که ما برحق دیگران نظر نداریم و نه به هیچ وجه از حق خود دست بر میداریم چنانچه اگر کسی هم خواست تجاوز بحقوق ما را داشته

همگام با دیگر برادران افغان خویش برای تشکیل دولت اسلامی نقش موثری داشته ایشان گفتند که ما می خواهیم در افغانستان یک دولت قوی اسلامی تشکیل داده شود و همه مسلمانهای افغانستان در آن سهیم باشند، وی افزود که هرگونه تعصب و تنگ نظری در این باب هلاکت آفرین خواهد بود ایشان گفتند که دولت فعلی افغانستان توان این را ندارد که هیچ گروهی را بر مبنای تعصب نادیده بگیرد و یک چنین اقدامی برای دولت هلاکت کننده خواهد بود آقای نجفی افزودند که حزب وحدت اسلامی تنها و قوی ترین نماینده مردم مرکزی افغانستان و ملت تشیع است که فعلاً حداقل نمایندگی هفت میلیون مسلمان را با خود دارد ایشان گفتند که ما از هیچ نوع همکاری با حزب وحدت اسلامی دریغ نخواهیم نمود و ملت افغانستان را به هیچ وجه تنها نخواهیم گذاشت و نه بر کسی اجازه خواهیم داد تا علیه آنان توطئه بکاربرد.

پایان

باشد جواب دندان شکن به او خواهم داد. وی گفت ما با هر نوع تعصب مخالفیم و برخلاف روح اسلام در افغانستان همه با هم جهاد نمودند و همه در افغانستان حق دارند. ایشان گفتند که حزب وحدت اسلامی یک حزب جهادی است و تا امروز ما بر کسی تجاوز نه نموده ایم، اما برخلاف این از روی تعصبات گوناگون علیه ما تجاوز صورت گرفته که در جواب آن ماهیچ وقت دامن صبر را از دست ندادیم، وی افزود ما می خواهیم برادران پاکستانی ما را واقعبیت ها با خبر باشند ولی متأسفانه رسانه های خبری در این باب واقعبیت پسندی زیاد از خود نشان ندادند. ایشان از مردم پاکستان تشکر نمودند و گفتند که در طول سالهای جهاد آنان با ما همکاری نمودند و تا حال ما را در امان شفتت خود داشته اند، وی گفت ما امیدواریم که در آینده همچنان همکاری مردم پاکستان را در بازسازی کشور با خود داشته باشیم. رئیس تحریک نفاذ فقه جعفریه بلوچستان حجت الاسلام مهدی نجفی استقرار دولت اسلامی در افغانستان را برای مردم افغانستان تبریک گفت و افزود که این امر باعث خوشحالی است که امروز در کابل دولت اسلامی رویه رشد است و حزب وحدت اسلامی

بنیاد اندیشه

طلبی و آزادی خواهی شد اما م حسین ع باقیام جانانه و حماسه جاودانه خود مکتب حیات بخش محرم و عاشورا را آفرید که حیات بخش و انسان ساز است و در چهارده قرن اسلام را مکتب حسین، مجلس حسین، تئزیه حسین و کربلای حسین زنده و پویا نگه داشته است شعارهای امام حسین در روز عاشورا شعور بخش و بیدار کننده انسان های آزاده است میفرماید هیبات منالذله با این جمله زیبا روح های آزاده را احیاء میکند که انسان و مرد آزاده زیر بار ذلت و حقارت نمی رود با مرگ سرخ آشتی دارد ولی با ذلت و دنائت و خواری هرگز، امام حسین (ع) از مسلمانان جهان و انسانهای بلند همت و آزاده دعوت کرد

امام حسین (ع) و ...

بیزید این معاویه را و از گون و اسلام عزیز را از شرف ساد دستگاه اموی خلاص کرد آن حضرت بانسانها آموخت با افتخار مردن به تراز زندگی در زیر فشار ظلم و فساد است.

امام حسین (ع) شهید راه آزادی و حریت است، امام حسین (ع) شهید راه عدل و فضیلت است، حسین (ع) برای احیاء اسلام به شهادت رسید، شهادت سیدالشهدا سبب بقاء و ثبات آئین مقدس اسلام گردید، قیام ابی عبدالله (ع) در کربلا سرفصل و نقطه عطف تمام قیام های حق

که در مکتب حسین وارد شوند و راه آنحضرت را بروند، حسین (ع) بمسلمانان آموخت کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا هر روز و هر جایی باید کربلا و عاشورا باشد کربلا و عاشورا رمز است، الگوست در کربلا و عاشورا رمز مبارزه حق و باطل، نور و ظلمت، علم و جهل، عدل و ظلم صلاح و فساد و محل تلاقی ظیوف رحمان یا جنود شیطان است باید راه حسین را راه نور و علم و حق و عدل و صلاح و جهاد، شهادت و ایثار است، انتخاب کرد در برابر ظلم و فساد در هر جایی و در هر روز باید جنگید باید در همه روزها و در همه جا هادر سراسر جهان با ظلم و باطل و فساد جنگید و مکتب حسینی را زنده نگه داشت، این است که عاشوری و کربلا رمز است سمبل است، الگو و سوه است این فلسفه خوب احیاء شد در هزار و چهارصد سال در گوشه گوشه جهان و دنیا ای اسلام مجالس محرم و شعار حسینی بیدارگر و احیاء کننده است.

پایان

فدرال خواهی بی...

در این تفسیر یا تعریف گر چند که مبهم بوده، و به همه جوانب مسئله پرداخته نشده است باز هم سه وجه مشخصه در نظام فدرالی ذکر شده است.

- ۱- حوزه قضائی مستقل.
 - ۲- تقسیم قدرت بر اساس قلمرو.
 - ۳- عدم تمرکز قدرت دولت فدرال، یا مرکزی و تفویض قدرت به مقامات محلی.
- آقای آشوروی در "فرهنگ سیاسی" در تفسیر "فدراسیون" نوشته است.

از در زبان لاتینی به معنای "جمع شدن" (اتحاد چند واحد سیاسی (ایالت، کشور) و تشکیل دولت واحد در فدراسیون واحدهای کوچکتر برای خود برای اتباع خود دارای حدودی از اختیار و اقتدار هستند و غالباً امور خارجی خود را به فدراسیون وامی گذارند. قانون اساسی فدراسیون حدود و اختیارات داخلی واحدهای تشکیل دهنده فدراسیون را که معمولاً "ایالت خوانده می شوند معین می کند. در سیستم های فدرال غالباً "یک دادگاه برای تفسیر قوانین و حل اختلاف های ایالتی و دولت مرکزی وجود دارد. در این نوع دولت تفسیر قانون اساسی با موافقت تعداد معینی از ایالتها صورت می گیرد.

حدود اختیارات ایالتها یا دولت های تشکیل دهنده فدراسیون در سیستم های مختلف متفاوت، چنانکه در ایالات متحده آمریکا ایالتها حق بستن قرار داد با دولت های خارجی ندارند اما در شوروی (سابق) جمهوری های تابع قانوناً اجازه عقد قرار داد ندارند و حتی جمهوری از جمهوری های شوروی (سابق) "اگر ایمن و روسیه سفید" در سازمان ملل متحد نماینده دارند همچنین جمهوری های شوروی قانوناً حق ندارند استقلال داشته باشند (اگر چه عملاً ارتش آن کشور واحد است) (این تفسیر مربوط به قبل از فروپاشی نظام میلناریستی روسیه بوده است).

از نمونه های مهم دولت فدرال در جهان ایالات متحده آمریکا، آرژانتین، مکزیک و هند هستند. در دولتهای فدرال هر یک از دولتهای عضو فدراسیون دارای سازمان اداری و (غالباً) مجالس قانون گذاری مستقل

هستند، ولی قوانین آنها نباید ناقض قض قوانین اساسی فدرال باشد" (۲)

علاوه بر این از بعضی عناصر در تفسیر اولی جنبه های دیگری در این تفسیر دیده می شود.

- ۱- قانون اساسی فدراسیون یعنی دولت مرکزی حدود اختیارات ایالتها را تعیین مینماید.
 - ۲- امور خارجی یعنی سیاست خارجی و روابط بین المللی مربوط فدراسیون چون مرکزی میباشد.
 - ۳- دادگاه عالی جهت حل منازعات ایالتها و دولت مرکزی و تفسیر قوانین وجود دارد.
 - ۴- حدود اختیارات ایالتها در سیستم تم های مختلف فدرال فرق میکنند یعنی مربوط بوط قوانین اساسی دولت های مرکزی میگردد که حدود اقتدار و اختیار ایالتها را مشخص می نماید.
 - ۵- ایالتها دارای مجالس قانون گذاری و اداری مخصوص بخود می باشند در صورتیکه قوه قوانین ایالتها یا قوانین مرکز در تناقض نباشد.
 - ۶- تغییر قانون اساسی با موافقت تعداد معینی از ایالتها صورت می گیرد.
- تشکیل دولت فدرال موثرترین راه حلهای منازعات و مناقشات و ناهمگونی های اجتماعی و نژادی و فرهنگی و...

نظام فدرالی در چه شرایط و وضعیت اجتماعی که متناسب با ساختار و یافت جامعه ای باشد، تشکیل میگردد "عبد الحمید ابوالحسن استاد علوم سوم سیاسی در دانشگاه تهران در "کتاب مبانی علمی سیاست" در بحث "عرصه علم سم سیاست بیان داشته است، در جامعه ای که فاصله های فرهنگی، اقتصادی، اداری یا شدت تشکیل دولت فدرال موثر و در ضمن به حدود و اختیارات ایالتها کلی پرداخته است.

"در کشورهای متحده یا فدرال که بین استانها و مناطق مختلف کشور اختلاقات فرهنگی، اقتصادی، اداری ممکن زیاد باشد چنانکه در بعضی از کشورهای متحده مده مثل اتحاد جماهیر شوروی (سابق) رسماً "صفت کثیر الملله را به دنبال کلمه دولت می آرند و این امر نشان میدهد که در عرصه یک کشور عظیم این اصل قبول شده است که ملت های مختلفی زندگی کند.

در بعضی از کشورها مثل سوئیس و ایالات متحده آمریکا شمالی در جبهه آزادی عمل و اختیارات دولتهای عضو بسیار

زیاد است" (۳)

اما آقای "کارلتون کلایمرودی" در مبحث "فرم حکومت های جدید" وقتی حکومتها را از نظر شکل و فرم ابتدائی بدون نوع حکومت "فدرال" و "یونیتری" تقسیم بندی نموده، به تعریف و حسن و قبح هر یک می پردازد و در رابطه با تشکیل "دولت فدرال" ناهمگونی های اجتماعی و نژادی و... را مطرح می سازد و آقای عبدالحمید ابوالحسن هم نظری باشد. نخست تفسیر و بررسی ویرا در مورد حکومت "یونیتری" و "فدرال" ارائه میدارم.

"همه حکومتها را از نظر شکل ابتدائی میتوان به "فدرال" و "یونیتری" تقسیم کرد. دولت یونیتری قدرت مرکزی و بیاملی برتر و بالاتر بوده یعنی در واقع قدرت کامل در دست حکومت مرکزی است در چنین کشورهایی معمولاً "قانون اساسی حق اعمال قدرت را به هیچ حوزه کوچکتر حکومتی مانند ایالات و -

شهرها تفویض نکرده ولی در عمق، حکومت ملی مقداری از قدرت و وظایف خویش را به استانها، شهرها، و دیگر واحدهای منطقه ای تفویض می نماید. بهر صورت این تفویض قدرت زامی توان بایک قانون عادی دستگاه قانون گذاری انجام داد و نیز به همان ساده گی میتوان آنرا لغو نمود اینگونه امور محتاج به تغییر قانون اساسی نیست. از طرف دیگر "کشور فدرال" بر مبنای تقسیم قوای حکومتی بین حکومت ملی و واحدهای تشکیل دهنده (ایالات، استانها، جمهوری ها و ایالتها) قرار داد و این تفویض قوا با اصول قانون اساسی آمیخته شده و میتوان گفت که همه دولتهای فدرال، قانون اساسی مدون دارند، با وجودی که در کشورهای "فدرال" قانون اساسی را میتوان اصلاح کرد و نحوه اصلاح بطور ثابتی مشکلتر از وضع قانون عادی است، تقریباً در تمام کشورهای فدرال اصلاحات مربوط به قانون اساسی مستلزم موافقت حکومت مرکزی و اکثریت قاطع حکومت های ایالتی میباشد (۴)

پس از بیان تفاوت "حکومت فدرال" و "یونیتری" در نحوه تشکیل و شرایط وجودی آن می نویسد:

در سیستم حکومت فدرال، بخصوص با وضع دولتهای که دارای قلمرو وسیع با گوناگونیهای ناحیه ای و جغرافیائی، آب و هوای، منابع طبیعی، عوامل اقتصادی

واوضاع اجتماعی هستند و نیز ناهمگونی نژاد ملیت، زبان، و دین مواجهند سازگارتر است. (۵)

علاوه از مشخصات دیگری که وی مطرح می‌سازد در کل در نحوه، تشکیلات "حکومت فدرال" به آقای عبدالحمید ابوالاحمد منظر می‌باشد.

آقای رودی از بعضی نقطه نظر با آقای آشوری و عبدالحمید هم عقیده نمی‌باشد آنجائیکه نمونه‌های از نظام فدرالی را بیان میدارد در خصوص شوروی سابق و جمهوری ایمار آلمان که آقای رودی یکی را مشکوک و دیگری را رادمی نماید. ولی در رابطه با اصلاح قانون اساسی در آن کشورها وقتی به در آرامی پردازد که در "آمریکا" بادوسوم، در هر دومجلس وکنگره "سه چهارم رای مثبت ایالات در مجالس، قانون اساسی ایالات - قابل اصلاح میباشد. در جمهوری "ایممار آلمان" بارای دوسوم هر دو مجلس، در شوروی (سابق) با اکثریت دوسوم در شورای عالی میتوان قانون اساسی کشورهای عضو اصلاح کرد. آنگاه در رابطه با قانون اساسی شوروی سابق می‌نویسد:

"هیچگونه حق اعمال قدرت مستقیم به جمهوری‌های تشکیل دهنده، شوروی تفویض نشده است بهر صورت مشکوک است بتوانیم جمهوری و ایمار آلمان را یک دولت فدرال واقعی بنامیم و لسی شوروی محققا "یک دولت فدرال نیست (۶) که در این مسئله نظر "رودی" با آقای آشوری و عبدالحمید، تفاوت دارد.

امانست حدود اختیارات دولت مرکزی در مورد مقایسه نمودن "مزایا و معایب" "یونیتی" و "فدرال" چنین آورده است:

"غیرممکن است بتوان گفت در چه نقطه، مشخصی افزایش قدرت حکومت مرکزی باعث لگه کوب شدن سیستم فدرال و به وجود آمدن حکومت یونیتی خواهد گردید معمولا "اموری از قبیل روابط خارجی جنگ و صلح نیروهای مسلح، اسکناس رایج، تجارت بین ایالات و تجارت خارجی مهاجرت و اعطای تابعیت، امور پستی، حقوق ثبت اختراع و حقوق چاپ و تقلید مربوط به حکومت مرکزی هستند. در بعضی از کشورهای دیگر حکومت مرکزی از حقوق

دیگری مانند کنترل اقتصادی و اجتماعی بر امور استانها بهره مند میباشد.

البته قدرت وضع مالیات نیز مانند وسیله ای است که باتوسل به آن حکومت مرکزی میتواند در امور اقتصادی و اجتماعی کشور دخالت نماید" (۷)

وی با در نظر گرفتن مشخصات و اختیارات دولت فدرال که در تفسیرهای قبلی ذکر شد، مسایل دیگری علاوه نموده است از قبیل: جنگ و صلح، حقوق ثبت اختراع، چاپ تقلید، کنترل اقتصادی و مالیات و... در دایره قدرت دولت مرکزی میداند.

نتیجه:

با در نظر داشت مختصر مطالبی که در سطور قبلی ذکر گردید نتیجه‌ای که بدست می‌آید نسبت چگونگی تشکیل وحدت اختیارات و مشخصات "دولت فدرال" از این قرار است:

- ۱- دولت فدرال فرم جدیدی از حکومت می‌باشد. در شرایط وضعیت اجتماعی مؤثر و مفید خواهد بود، که فاصله‌های اجتماعی فرهنگی، اقتصادی و اداری، محیطی و نژادی و... در یک سرزمین وجود داشته باشد.
- ۲- هر یک از ایالات و یا قدرسیون عضو می‌تواند قانون اساسی قضائی و اداری و ویژه خود را داشته باشد.
- ۳- قانون اساسی دولت فدرال حدود و اختیارات ایالتها را مشخص می‌سازد.
- ۴- اصلاح قانون اساسی ایالتها با رای معینی از ایالات صورت می‌پذیرد.
- ۵- امور پولی، ارتش، روابط خارجی، تجارت خارجی و بین ایالات، حقوق ثبت اختراع چاپ و تقلید، مالیات، امور پستی، کنترل اقتصادی و اجتماعی معمولا "در حیطه اختیارات دولت مرکزی میباشد. همه این مسایل مربوط قانون اساسی "دولت مرکزی فدرال" بوده چون از امور قراردادی میباشد که یک تغییر را بر اساس مناسبات و واقعیات جامعه‌ای صورت پذیرد.

بنابراین با مطالعه تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی افغانستان، و نابرابری حقوقی و تقسیمات نادرست ساختمان سیاسی اداری کشور، داعیه حکومت فدرالی، در این برهه، حساس از تاریخ همه مسایل زیر بنایش از هم اکنون گذاشته خواهد شد، بی توجهی به قضایا

نسلی را به مسلخ و قربانگاه محرومیت از حقوق مدنی و طبیعی خواهد برد، این داعیه تئوری ذهنی نخواهد بود بلکه در رابطه تنگاتنگ با واقعیت‌های ملموس اجتماعی و تاریخی می‌باشد.

براستی اگر خواسته باشیم با بپای تمدن و فرهنگ رشد یافته بشری فرهنگ و رشد سیاسی اجتماعی مردم را انکشاف دهیم ویرانی‌های برجای مانده از نظامهای دیکتاتوری و مطلق‌العنانی گذشته را آباد سازیم، استعداد های خلاق انسانی کشور شکوفان گردد و به نبوغ و کمال رسند آیا راهی جز ایجاد سیستم سالم سیاسی راهی دیگر خواهد بود؟

آیا در راستای حرکت‌های سیاسی واقع بینانه در سایه نظام مبتنی بر عدالت اجتماعی رشد اقتصادی، فرهنگی و... و ترقی شکوفائی جامعه میسر نخواهد بود؟

آیا ساز و آرائیست بجای مخاصمات و تعصبات جاهلانه، روابط همزیستی سالم و همکاری همه جانبه و ایجاد رقابت مثبت در جهت کمال و انکشاف کشور در همه زمینه‌های اجتماعی ایجاد گردد؟

آیا زمان آن رسیده، که همه با هم در یک فضای باز سیاسی و برادرانه واقعیت‌های دیگر را درک نموده، روی مسایل و پیرایم‌های اجتماعی، سیاسی، قوانین مدنی و اجتماعی در قانون اساسی به بررسی نشینیم؟

دست درازی بیگانگان در سرنوشت کشور خویش نپذیرفته، قطع نمائیم و بر عظمت استقلال فکری و میهنی خویش بیافزایم؟

دیگر باید درک نمائیم که همه ملیت‌های ساکن "افغانستان" از رشد سیاسی لازم برخوردار بوده، منافع ملی و میهنی خویش را دانسته و از توان دفاع حقوق حقه،

طلوع وحدت

چریده: سیاسی، فرهنگی، عقیدتی، خبری صاحب امتیاز: حزب وحدت اسلامی...
 زیر نظر: کمیسیون فرهنگی
 مرکز پخش: دفاتر و نمایندگیهای حزب وحدت اسلامی افغانستان در ایران و پاکستان.
 آدرس: پاکستان - کوئته بلوچستان پست باکس "۱۲۲" تلیفون ۰۷۶۶۸۰